

قواعد کلی مسئولیت مدنی در فقه امامیه، حقوق ایران و انگلستان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۵/۲

احمد میرزائی گرمی^۱

علیرضا لطفی دودران^۲

مظفر باشکوه^۳

چکیده

این تحقیق با هدف بررسی قواعد کلی مسئولیت مدنی و تحلیل و تحلیل و بررسی تطبیقی آن در حقوق ایران و انگلستان و فقه امامیه با روش تحلیلی، توصیفی صورت گرفته است. نتایج حاکی است: در حقوق انگلستان، قواعد کلی مسئولیت مدنی تحت عنوان: مسئولیت ناشی از بی‌احتیاطی، عمد و مسئولیت بدون تقصیر مطرح می‌شوند که بی‌احتیاطی و مسئولیت ناشی از آن مهم‌ترین آن به شمار می‌رود. مسئولیت مدنی در حقوق ایران شامل: مسئولیت مبتنی بر تقصیر و بدون تقصیر می‌باشد که قاعده تسبیب و اتلاف به ترتیب عنصر اصلی مسئولیت مبتنی بر تقصیر و بدون تقصیر می‌باشد. ولیکن در فقه امامیه مسئولیت مبتنی بر تقصیر و بدون تقصیر به صورت واحد مطرح بوده و برخلاف حقوق ایران، قاعده اتلاف و تسبیب مستقل از هم نیستند. ولیکن تسبیب، رکن اصلی مسئولیت نبوده و صرف تحقق ضرر بدون عامل زیان ضمان ایجاد نمی‌کند. در نهایت، علی‌رغم تفاوت‌های ظاهری، قواعد کلی مسئولیت مدنی در این سه نظام؛ قابلیت انطباق داشته و دارای یک هدف مشترک: «اجرای عدالت و جبران کامل ضرر ناروا» می‌باشند.

کلمات کلیدی: مسئولیت، مسئولیت ناشی از تقصیر، مسئولیت بدون تقصیر، بی‌احتیاطی، زیان

^۱ دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران ahmad.mirzaee1963@gmail.com

^۲ استادیار گروه حقوق، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران (نویسنده مسئول)

drlotfi1346@yahoo.com

m.bashokouh@gmail.com

^۳ استادیار گروه حقوق، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران.

قانون گذاران از ایام قدیم متوجه شده اند که کسی نمی بایست به عمد یا به سهو، به شخص دیگری ضرری وارد نماید و اگر چنانچه به هر دلیل، شخصی از شخص دیگر خسارت دید، می بایست جبران خسارت شود.

این نکته، موضوع اصلی مقوله مسئولیت مدنی را تشکیل می دهد. اینکه شهروندی که به شهروند دیگر آسیب یا خسارت می زند، چگونه می بایست جبران خسارت کند (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ۲۵).

در حقوق غرب، این قوانین مسئولیت مدنی از ایام دور، وضع شده و بی تغییر تا اواخر قرن نوزده میلادی، باقی مانده اند. قوانینی که در یونان باستان وضع شده و رومیان نیز اطاعت نموده و به انگلستان به ارث رسیدند (Calnan, ۲۰۰۹, ۱۵).

دیدگاه های دانشمندان در مورد سیر صعود و نزول مسئولیت مدنی متفاوت است برخی معتقدند که مسئولیت مدنی از اقدامات تجاوز گونه و انتقام و عمد شروع شده و به اقدامات سهوی و بدون تقصیر می رسند همچون هولمز (Oliver Wendell Holmes) و برخی دیگر از دانشمندان، سیری برعکس را ارائه می کنند یعنی اقدامات از سهوی و بدون تقصیر تا اقدامات شنیع شامل مسئولیت مدنی می شوند (miler, ۲۰۰۶, ۲).

ایران نیز مانند بسیاری دیگر از کشورها، به قوانین مسئولیت مدنی معتقد است و پیش بینی هایی برای جبران خسارات نموده است که از جمله می توان به قاعده «لاضرر»، «اتلاف» و «تسبیب» در قانون مدنی و ماده یک مسئولیت مدنی اشاره نمود (بهرامی احمدی، ۱۳۹۰، ۱۷۰). در نهایت، از آنجا که قواعد مربوط به مسئولیت مدنی به دلیل هدف آن یعنی برقراری عدالت و جبران ضرر وارده به زیان دیده اهمیت دارد و از طرفی دیگر در ارتباط با عامل زیان و هم در ارتباط با جامعه، هدف و اهمیت و نقش خاص دار و از همه مهم تر در رفع تجاوز نسبت به خواهان و جلوگیری از ورود خسارت در آینده به وی نقش اساسی دارد. در این مقاله قواعد کلی مسئولیت مدنی در حقوق غرب و کشور انگلیس، کشور ایران و امامیه، بررسی و مقایسه می شوند.

در نهایت سوال اصلی تحقیق اینگونه تدوین می شود: تفاوتها و شباهتهای قواعد کلی مسئولیت مدنی در حقوق غرب و کشور انگلیس، کشور ایران و امامیه چیست؟

۲. مسئولیت مدنی در فقه امامیه

با وضع کنونی، برای آشنا شدن با مبانی مسئولیت، به ناچار باید در ابتدا پیشینه آن در فقه به عنوان منبع قانون مدنی بررسی شود و سپس به آن در حقوق ایران پرداخته شود. فلذا ذیلاً به شرح قواعد کلی موضوع در فقه امامیه پرداخته می‌شود:

۱-۲. قاعده لاضرر

قاعده لاضرر همانطور که از نامش پیداست جهت جبران خسارات در مقوله مسئولیت مدنی بوجود آمده، تکمیل شده و اجرا می‌گردد. برای مثال، اگر حکم لزوم قراردادهای در موردی که باعث ایجاد ضرر شود، قاعده لاضرر این حکم را تعدیل می‌کند و برای زیان‌دیده حق برهم زدن عقد را ایجاد می‌کند. بر همین مبنا است که خیار فسخ، به عنوان وسیله جبران خسارت، با مسئولیت مدنی ارتباط پیدا می‌کند. به بیان دیگر، قاعده لاضرر ابزار اجرای عدالت و تأمین برابری سود و زیان و وسیله ایجاد تعادل در روابط اقتصادی و اجتماعی است (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ۱۴۰-۱۳۹).

۲-۲. قاعده اتلاف

کسی که مال دیگری را تلف کند مسئول جبران آن است (من اتلف مال الغیر فهوله ضامن). در حال حاضر تنها زمینه اجرای قاعده اتلاف در امور مالی می‌تواند مفید واقع شود. همچنین، در فقه، اتلاف را به اتلاف به مباشرت و اتلاف به تسبیب تقسیم کرده‌اند و هر دو قسم را زیر یک عنوان بررسی می‌کنند. لیکن قانون مدنی این دو را از حیث شرایط تحقق و مبنا نیز جدا ساخته است. پس آنچه در این جا با عنوان قاعده اتلاف می‌آید، تنها بخش ویژه‌ای از اتلاف است که به مباشرت در اتلاف اموال اختصاص دارد و مقصود از مال، اعیان خارجی نیست و شامل منافع نیز می‌شود، خواه منفعت مربوط به مال یا انسان یا حیوان باشد. در اتلاف، شخص مباشر تلف است نه مسبب آن و اینکه در چه مورد تلف‌کننده را باید مباشر تلف دانست؟ در جواب باید گفت که در نظر عرف بین تلف و کار مباشر رابطه علیت مستقیم باشد، چندان که بتوان گفت، نوعاً یا بر حسب خصوصیت‌های مورد، تلف از لوازم کار است. در تمیز مباشر از سایر کسانی که زمینه تلف را فراهم آورده‌اند، بهترین معیار داوری عرف است. زیرا، حوادث جهان چنان گونه‌گون و پیچیده است که به دشواری می‌توان همه را با یک قاعده بررسی کرد. ناچار باید ویژگی‌های هر مورد را در نظر آورد.

آیا بر حسب عادت از کاری که انجام شده است تلف به بار می‌آید؟ آیا حوادثی که در فاصله میان ایجاد علت و وقوع تلف رخ داده است، این رابطه را قطع می‌کند؟ آیا رابطه کار زیان‌بار و

تلف مال رابطه مستقیم و بی‌واسطه است؟ پاسخ این گونه سوال‌ها را باید در هر مورد جست‌وجو کرد و آنچه به عنوان «قاعده» گفته می‌شود راهنمای این جست‌وجو است. ایجاد علت تلف، مانند آتش زدن و تیر انداختن، در نظر عرف رابطه مستقیم را قطع نمی‌کند: برای مثال نمی‌توان ادعا کرد که، چون شخص آتش افروخته یا تیری رها کرده و آتش و تیر مالی را تلف کرده است، پس کار او را نباید مباشرت در اتلاف انگاشت. با وجود این، گاه در میان آتش افروخته و تلف مال چندان فاصله می‌افتد که عرف رابطه این دو را مستقیم نمی‌بیند و آتش‌افروز را مسبب می‌انگارد نه مباشر. چنان که، هر گاه کسی به منظور تفنن بوته‌ای را آتش بزند و باد آتش را به انباری که در صد متری آن است بکشد، در عرف نمی‌گویند که او انبار را آتش زده است؛ همه او را سبب آتش گرفتن انبار می‌دانند. زیرا بین آتش افروختن و سوختن انبار لازمه عقلی وجود ندارد و درجه احتمال ورود ضرر چندان نیست که عرف، کار آتش‌افروز را علت آن بداند.

در تحقق اتلاف، کافی است که رابطه علیت بین فعل شخص و تلف مال موجود باشد، هر چند که قصد ایجاد نتیجه در آن نباشد. غیرعمدی بودن اتلاف مانع ایجاد مسئولیت نیست و تقصیر تلف‌کننده از عناصر آن به‌شمار نمی‌رود. پس، اگر کسی تیری رها کند و بدون اینکه بخواهد یا مقصر باشد، حیوانی را بکشد، ضامن است. یا، اگر دیوانه یا صغیر غیرممیز مالی را تلف کند، مسئول است. هر گاه خریدار مال مغضوب تمام احتیاط‌های لازم را در تمیز مالک واقعی مال معمول دارد و با وجود این ملک غیر را، بدون گمان که به فروشنده تعلق دارد، بخرد دو آن را تلف کند، در برابر مالک مسئولیت دارد. با وجود این، باید دانست که، انتساب علت تلف به فعل مسئول، شرط ضروری ضمان قهری در این زمینه است. جایی که انتساب فعلی که موجب تلف شده است به شخص ممکن نباشد ضامن شناختن او دشوار است، هر چند که وسیله تلف شده باشد. مثلاً اگر زلزله یا انفجار باعث پرتاب شخص بر روی مالی بشود نمی‌توان او را ضامن شناخت، زیرا رابطه علیت عرفی بین کار او تلف مال وجود ندارد. همچنین، اگر شخص دیگری را مجبور به اتلاف کند یا او را فریب دهد، مباشر اتلاف را نمی‌توان مسئول شناخت. زیرا انتساب عرفی اتلاف به مسبب آسان‌تر است تا به مباشر. همچنین باید دانست که هر گاه شخص دیگری به طور غیرمستقیم در اتلاف دخالت داشته باشد، مسئولیت مباشر بدین وسعت باقی نمی‌ماند. در چنین حالتی، ضمان مباشر ویژه موردی است که کار او در اتلاف قوی‌تر از اسباب چنین مسببی باشد (همان، ۱۴۷-۱۴۵).

در صورتی که شخص مسئول مستقیم اتلاف مالی نباشد ولی برای اتلاف آن مال، مقدمه سازی و زمینه سازی نماید، کار او را اتلاف به تسبیب گویند و ضامن خسارتی است که از این راه به بار آمده است. در تعریف تسبیب بیش از اتلاف بین فقها اختلاف شده است. منشأ اختلاف در این است که در این اصطلاح واژه «سبب» به معنای فلسفی و متعارف خود به کار نرفته است. سبب در اصطلاح فلسفی، به امری گویند که از وجودش وجود و از عدمش عدم لازم آید. در حالی که در تسبیب چنین عاملی فراهم نمی آید. مسبب به کاری دست می زند که زمینه تلف را آماده می سازد، چندان که اگر ارتکاب آن عمل نباشد تلف نیز رخ نمی دهد؛ ولی بین آن کار و وقوع تلف رابطه علیت وجود ندارد. احتمال دارد و انتظار آن می رود که در شرایط ویژه ای زمینه فراهم شده منجر به سبب نامیده می شود، در واقع شرط وقوع تلف است. به ویژه، در موردی که علت تلف را فعل دیگری به وجود می آورد و آن فعل، همراه با شرط قبلی، خسارتی ایجاد می کند، خسارت به آن شرط منسوب نمی شود و تلف کننده مسئول آن است. به همین جهت، قانون مباشر را مسئول می شمرد، هر چند که فعل او همراه با شرایط دیگر کارساز شده باشد. چنان که یادآوری شد، ضرورت وجود واقعه ای برای ایجاد تلف به تنهایی کافی نیست که آن را، حتی بدین معنی وسیع، سبب شمرد. بایستی به حکم عادت انتظار وقوع حادثه زیان بار برود تا بین آن دو رابطه عرضی برقرار شود: یعنی، مقتضای ایجاد ضرر فراهم آید (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ۱۴۸-۱۴۷).

۴-۲. عناصر تسبیب

الف) دخالت عمد و قصد

در تسبیب، هر چند عمد و قصد به اضرار لازم نیست، اما احراز انتساب خسارت به فعل مسبب بی تردید لازم است. ذکر این نکته لازم است که در صورت عدم تقصیر در خصوص مورد تسبیب، انتساب خسارت به مسبب احراز نمی گردد (محقق داماد، ۱۳۹۳، ۱۲۰).

ب) اجتماع مباشر و سبب

در صورتی که عامل طبیعی، مانند باد و باران، باعث اتلاف شود، مسبب از ضمان بری نمی شود و این، عوامل رابطه عرفی بین سبب و تلف را از بین نمی برد: چنان که، اگر کسی آتشی روشن کند و باد وسیله سرایت آن به باغی شود، آتش افروز ضامن است. ولی جایی که شخص دیگری مباشر اتلاف شود، چون مباشر و مسبب هر دو در اتلاف دخالت داشته اند، این پرسش پیش می آید که کدام را باید مسئول شمرد؟

صاحب ریاض، در پاسخ این پرسش نظر می‌دهد که حدیث لاضرر اقتضا دارد که هر کسی در ایجاد ضرر به گونه‌ای دخالت داشته باشد مسئول جبران آن می‌باشد. در فرضی که رابطه مسبب با اتلاف ضعیف‌تر است، این ضعیف نمی‌تواند مسئولیت او را از بین ببرد. در واقع صاحب ریاض، از نظریه تساوی اسباب پیروی کرده و ضعف و قوت رابطه و نزدیکی و دوری اسباب به ضرر در نظر او اهمیت ندارد. این مسئولیت تضامنی را دیگران نپذیرفته‌اند و صاحب ریاض نیز آن را در صورتی می‌پسندد که اجتماعی برخلاف آن نباشد. در انتقاد از این احتمال گفته شده است که هر گاه شخصی مباشر اتلاف شود رابطه علیت بین کار او و تلف ارتباط ضعیفی را که وقوع تلف با سبب دارد قطع می‌کند، چندان که در نظر عرف دیگر نسبتی میان سبب و تلف باقی نمی‌ماند. برای مثال اگر کسی چاهی بکند و دیگری کسی را در چاه بیندازد، عرف کسی را ضامن می‌داند که مقتول را در چاه انداخته است. رابطه میان سبب و تلف رابطه‌ای مجازی و ضعیف است و تنها جایی ضمان‌آور است که فعل اختیاری بین سبب و تلف واسطه نشود. در فرض ما، رابطه مباشر و تلف قوی‌تر از سبب و تلف است. به همین جهت تنها مباشر مسئول است. تسبیب به خودی خود ضمان‌آور نیست و به خاطر تلف و بعد از وقوع آن ایجاد مسئولیت می‌کند؛ چنان‌که، اگر کسی چاهی در معبر عمومی بکند، نمی‌توان ادعا کرد که از هنگام حفر چاه مسئول است. پس، هر گاه کسی مباشر تلف شود، سبب واقعی تلف محقق می‌شود و دیگر محلی برای سبب مجازی نخست (شرط) باقی نمی‌ماند. در واقع، این گروه با تکیه بر نزدیک‌تر بودن اقدام مباشر، او را سبب تلف شمرده‌اند و نظریه سبب نزدیک و بی‌واسطه را اعمال کرده‌اند (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ۱۵۲-۱۵۱). در مقام تحلیل مسئله، مؤلفان سبب را به سه نوع تقسیم می‌کنند:

۱. جایی که اثر سبب تنها ایجاد داعی و تحریک مباشر است و فعلی به آن نسبت داده نمی‌شود: مانند اینکه شخصی دیگری را امر به کشتن کند یا راه سرقت را به او بیاموزد که، در این صورت، ضمان به عهده مباشر است (همان: ۱۵۲).
۲. موردی که فعل مستند به سبب است و مباشر نقشی ندارد، به دلیل اینکه مباشر یا حیوان است یا کودک یا اینکه به حکم شرع ملزم است: مانند کسی که حکم حاکم شرع را اجرا می‌کند. در این مورد است که قاعده تسبیب مورد پیدا می‌کند، زیرا مسبب ضمان دارد؛ چنان‌که اگر حاکم به استناد شهادت نادرست حکم کرده باشد، شاهد ضامن است نه حاکم.
۳. موردی که فعل مستند به مباشر ولی ضمان مستند به سبب است. مانند تقدیم طعام متعلق به دیگری در غرور، که مالک به مباشر رجوع می‌کند و مباشر به سبب با وجود این، در موردی که سبب قوی‌تر از مباشر باشد، دیگر وجهی برای مقدم داشتن مباشر وجود ندارد و بایستی

مسبب را ضامن دانست. مباشر، در صورتی قوی‌تر از مسبب است که اتلاف اختیاری و عمدی باشد. فقیهان غرور و اکراه را از عواملی می‌دانند که ضامن مباشر را از بین می‌برد، منتها در تحلیل این حکم اختلاف است: بعضی علت را ضعیف بودن مباشرت می‌دانند و برخی دیگر مباشر را همیشه قوی‌تر می‌پندارند و حکم اکراه و غرور را استثنا می‌شمارند (همان، ۱۵۳). جمعی نیز در اکراه، سبب را ضامن می‌دانند ولی در غرور مالک را مجاز می‌دانند که به هر کدام بخواهد رجوع کند (میرفتاح، ۱۴۱۷، ۲۹۴-۲۹۳).

پرسشی که در این مقام مطرح می‌شود این است که، اگر درچه تأثیر سبب و مباشر با هم برابر باشد، ضامن تلف به‌عهده کیست؟ در پاسخ، بعضی شرکت آن دو را در ضامن ترجیح داده‌اند، و بعضی دیگر حکم را به داوری عرف واگذارده‌اند. از بعضی نیز نقل شده است که این فرض را محال دانسته‌اند و مباشر را، به این دلیل که همیشه مباشرت قوی‌تر از تسبیب است، ضامن گفته‌اند. ولی، بیشتر فقیهان، با اینکه تساوی مباشر و مسبب را پذیرفته‌اند، در این فرض نیز تنها مباشر را مسئول شناخته‌اند. باید افزود که تردید اشتراک در ضامن جایی قوت می‌گیرد که مباشر و مسبب هر دو قصد اتلاف داشته باشند: یکی چاه بکند و دیگری حیوان یا انسانی را در آن افکند. زیرا، در این فرض، دشوار است که ادعا شود فعل مباشر رابطه سببیت بین کار مسبب و ورود ضرر را از میان برده و آن را در زمره شرایط تأثیر سبب درآورده است. ولی، در فرضی که تسبیب و اتلاف هر دو به تقصیر انجام می‌پذیرد، این قوت وجود ندارد و مشهور اعتقاد دارند که تقصیر اتلاف‌کننده رابطه علیت میان تقصیر مسبب و ورود ضرر (اتلاف) را قطع می‌کند.

رفع این اختلاف‌ها، بدون انتخاب و توجه به مبنای مسئولیت امکان ندارد: از مجموع سخن‌ها چنین برمی‌آید که رابطه علیت و قوت و ضعف آن مبنای اصلی است، پس، باید در پی علت خسارت و تمیز آن از شرایط تأثیر بود؛ کاوشی که امروز هم با عنوان «سبب متعارف یا اصلی» مرسوم است:

۱.

در فرضی که مباشر علت است و سبب شرط تأثیر آن، مباشر مسئول است؛

۲.

فرضی که قوی‌تر از مباشر و علت است که سبب مسئول است؛

۳.

به فرضی که در هر دو علت است هیچ کدام امتیازی بر دیگری ندارد. در این فرض باید هر دو را مسئول شمرد و تقدم مباشر بر مسبب مبنای معقولی ندارد؛

.۴

فرضی که سبب همراه با حادثه طبیعی است که باید سبب را مسئول شمرد: مانند افروختن آتشی که باد سبب سرایت آن به خانه همسایه شده است، مگر اینکه باد غیر قابل پیش‌بینی و اتفاقی باشد. نکته‌ای که در این باره شایان توجه است، مشاهده ریشه اختلاف کنونی درباره ترجیح است «سبب نزدیک» یا «سبب متعارف» در فقه است. زیرا، در صورت تساوی قوت سبب و مباشر، طرفدار سبب نزدیک مباشر را مسئول می‌شمرد و طرفدار سبب متعارف هر دو را مسئول می‌بیند و از این حیث، همانند طرفدار تساوی اسباب است (کاتوزیان، : ۱۵۴-۱۵۳).

۲-۵. قاعده ضمان ید (علی الید)

جز در مواردی که به دلایل ویژه‌ای استناد شده است (مانند تصرف امین)، استیلا بر مال دیگری ضمان‌آور است. در تحقق این مسئولیت علم و جهل متصرف نیز اثر ندارد. همچنین، در تحقق این ضمان نسبت به جبران تلف مال، نه تنها تقصیر سهمی ندارد، رابطه علیت مادی بین فعل متصرف و تلف نیز ضروری نیست. به همین جهت، اثبات اینکه تلف مال در اثر قوه قاهره بوده است از بار مسئولیت او نمی‌کاهد. نکته‌ای که باید بر این بحث افزود این است که، هر جا ضمان ید و اتلاف جمع شود، با اینکه مالک در رجوع به آن دو اختیار دارد، سرانجام ضمان بر عهده متلف مستتر خواهد شد. زیرا اگر مالک به غاصب رجوع کند، او نیز به نوبه خود حق مراجعه به متلف را خواهد داشت (همان، ۱۵۶-۱۵۵).

۲-۶. قاعده ضمان غرور

بر طبق این قاعده، هر شخصی دیگری را مغرور به کاری سازد و به او زبانی از این طریق برساند، ضامن جبران خسارت است (المغرور یرجع الی من غره) (همان: ۱۵۷-۱۵۶). شرایط تحقق غرور عبارتست از:

۱. زیان‌دیده جاهل به واقع باشد، ۲. جهل انگیزه اتلاف یا استیلا باشد؛ ۳. بین کار مغرورکننده و این پندار نادرست رابطه علیت وجود داشته باشد؛ ۴. مغرورکننده مقصر باشد (همان، ۱۵۷).

۲-۷. ضمان تعدی

امین مسئول تلف یا نقص مال مورد امانت نیست. قاعده استیمان مخصص «قاعده علی الید» است و تصرف امین برای او ضمان ایجاد نمی‌کند. پس، اگر مال مورد ودیعه یا عاریه یا اجاره توسط حادثه خارجی یا شخص ثالث تلف شود، امین مسئولیتی ندارد. ولی، این تخصیص تا

جایی باقی می‌ماند که امین مرتکب تعدی و تفریط نشود. همین که امین در نگهداری مال تقصیر کند یا به قصد تملک بر آن مستولی شود، صفت امانت که مانع از ضمان ید شده است از بین می‌رود. از این پس، او به منزله خائن است و بر حسب «قاعده علی الید» ضامن قرار می‌گیرد. تعدی و تفریط نه تنها صفت امانت، همه موانع اجرای قاعده علی الید مانند قاعده نفی ضرر، قاعده اذن و ایجاد عسر و حرج را از بین می‌برد. برای تحقق تعدی یا افراط لزومی ندارد که امین به قصد تجاوز از حدود اذن مالک یا اقتضای عرف اقدامی کند. بلکه باید کاری که برخلاف معتاد یا قرار دو طرف است انجام نشود، و هر گونه تجاوزی، هر چند که در اثر فراموشی یا مستی و خواب انجام شده باشد، صفت امانت را از بین می‌برد. مخصوصاً در جایی که تعدی یا تفریط امین سبب تلف مال شود، هیچ تردیدی در ضمان او روا نیست. همچنین ضرورتی ندارد که امین با علم به اینکه کار انجام شده تعدی و تفریط محسوب می‌شود، آن را مرتکب شود. زیرا علم و جهل او در آثار حکم وضعی مربوط به تعدی و تفریط تغییری نمی‌دهد. در جواب این پرسش که امین از تعدی و تفریط دست بکشد و دوباره به مقتضای امانت رفتار کند آیا صفت امانت به او بازمی‌گردد و ضمان از بین می‌رود یا همچنان مسئول است و این پشیمانی وضع حقوقی او را تغییر نمی‌دهد؟ بیشتر فقها نظر داده‌اند که صفت امانت به چنین کسی بازمی‌گردد ولی سیدمحمدکاظم یزدی، در حاشیه بر مکاسب شیخ نظر داده است که با تغییر نیت متصرف وضع حقوقی او نیز دگرگون می‌شود، زیرا در چنین حالتی متصرف در حال احسان و امانت است و قاعده احسان با ضامن شناختن او منافات دارد. وی معتقد است امین در حالی که به تعدی و تفریط می‌پردازد از عموم قاعده «ضامن نبودن امین» خارج می‌شود ولی در سایر حالات از ضمان مبرا می‌شود. به این ترتیب مسئولیت امین ناشی از تقصیر اوست. ولی معیار تمیز تقصیر نوعی است نه شخصی؛ بدین معنی که، تعدی و تفریط، با توجه به نوع کاری که امین مرتکب شده است معین می‌شود و حالات روانی و علم و جهل او در این ارزیابی مؤثر نیست (همان، ۱۶۴-۱۶۱).

۸-۲. مسقطات ضمان

اموری را که مانع از ایجاد مسئولیت برای کسی می‌شود که شرایط ضمان برای او فراهم آمده است، در فقه «مسقطات ضمان» می‌نامند. از اسباب معاف شدن مسئول قواعدی تمهید شده است که در نوشته‌های فقیهان زیر عنوان مسقطات ضمان بحث می‌شود که این قواعد شامل:

الف: قاعده احسان؛ ب: قاعده استیمان؛ ج: قاعده اقدام می‌باشند (همان، ۱۶۵-۱۶۴).

۳. قواعد کلی مسئولیت مدنی در حقوق ایران

در حقوق ایران مسئولیت‌های مدنی از دو حال خارج نیستند: یا مبتنی بر تقصیرند یا بی تقصیر

این تقسیم بندی تقریباً مشابه تقسیم بندی کلی مسئولیت مدنی در حقوق غرب و بخصوص انگلیس است. بخصوص در مورد ماده یک قانون مسئولیت مدنی و قاعده تسبیب که هر دو نشانگر مسئولیت‌های مبتنی بر تقصیرند و همچنین قاعده اتلاف که نماد مسئولیت‌های بدون تقصیر بحساب می آید:

۳-۱. مسئولیت مبتنی بر تقصیر

در سال ۱۳۲۹ بالاخره قانون مسئولیت مدنی با مطالعه و به تقلید از قوانین اروپایی در ایران به تصویب رسید و بدین گونه بود که از سال ۱۳۲۹، این قانون تثبیت و اجرایی شد (امامی، ۱۳۸۵، ۵۸۷؛ حسینی نژاد، ۱۳۸۹، ۱۶۵).

رابطه ماده یک مسئولیت مدنی با ماده سیصد و بیست و هفت قانون مدنی مانند رابطه عموم و خصوص مطلق است (بهرامی احمدی، ۱۳۸۸، ۱۸۷). چراکه در ماده ۳۲۸ برای جبران زیان سه شرط: الف: وجود ضرر، ب: عمل زیان بار، ج: رابطه سببیت، لازم است. بنابراین در صورت اثبات و وجود سه شرط فوق، دیگر نیازی به اثبات تقصیر نیست، و خسارت زیان دیده بایستی جبران شود. البته در این قانون اثبات تقصیر (عمدی یا غیرعمدی) به عهده زیان دیده است یعنی شخص آسیب دیده بایستی ثابت کند آسیب دیده است (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۰، ۸۶).

۳-۲. مسئولیت‌های بدون تقصیر

همچنین در مورد قواعد و قوانین مسئولیت‌ها بدون تقصیر بایستی گفت که در حقوق ایران قاعده اتلاف که قبلاً در مورد آن در این مقاله صحبت شد، در ماده ۳۲۸ قانون مسئولیت مدنی برگرفته از ماده ۱۳۸۲ قانون مدنی در حقوق فرانسه است (حسینی نژاد، ۱۳۸۶، ۱۴۵). که در این ماده قانونی، نظریه زیان یا مسئولیت را می توان به آسانی دید (امامی، ۱۳۸۵، ۳۸۶؛ یزدانیان، ۱۳۷۹، ۵۴).

تلف نمودن در قاعده اتلاف؛ بصورت عمومی و عرفی به معنی از بین بردن کلی یا جزئی مالی به کار می رود (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ۲۱۱؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۹۰، ۳۲۸؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷، ۱۱۷). امکان دارد برخی بگویند صرف تلف مال شخصی دیگد، به مباشرت، خود زیان یا تقصیر است؛ همان گونه که عهدشکنی نیز نوعی تقصیر است. اما این مطلب را نمی توان

قبول کرد و بسط داد چراکه در عهدشکنی، اماره قانونی انتساب اجرا نشدن قرارداد به عمل مدیون، طرف قرارداد را از اثبات انتساب و استناد معاف می‌کند و موجب می‌گردد اصل بر مسئولیت متعهد باشد، در حالی که در اتلاف چنین اماره‌ای به سود مالک مال موجود نیست و اوست که باید انتساب تلف به خواننده را اثبات نماید. البته که، در بیشتر مواقع احراز رابطه علیت بین فعل مرتکب و تلف در صورتی روی می‌دهد که کاری در دید عموم، غیر متعارف روی داده باشد یا تجاوزی عمدا صورت گرفته باشد و ضمان مسبق به تجاوز باشد (قاسم‌زاده، ۱۳۸۷، ۳۵۱). به طور کلی در مسئولیت‌های بدون تقصیر اگر فاعل تقصیر مرتکب شده باشد، فرد خسارت دیده برای دریافت ضرر خود، دو راه دارد: یا می‌تواند بدون اثبات تقصیر، انتساب زیان به فاعل را اثبات کند و یا اینکه با اثبات خود تقصیر و فعل روی داده، زیان دیده شده را از شخصی که خسارت وارد نموده بخواهد، و این در حالی است که هر دو نوع مسئولیت مربوط به یک شخص باشد. اما در موردی که دو نوع مسئولیت (یکی بدون تقصیر و دیگری مبتنی بر تقصیر) به دو شخص مختلف منتسب باشند، اینگونه به نظر می‌رسد که مسئولیت مبتنی بر تقصیر ارجح است. بعنوان مثال، در ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی، مسئولیت مبتنی بر تقصیر محافظ در عدم مراقبت کافی، ارجح است بر مسئولیت بدون تقصیر صغیر. همچنین در ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی نیز شرط فوق مصداق دارد.

اتلاف به عنوان قاعده‌ای الگویی برای مسئولیت بدون تقصیر در بسیاری از آراء دیوان عالی کشور هم در نظر گرفته شده است که از جمله آرای شعبه های ۱۰، ۱۸ و ۱۲ دیوان عالی کشور در سال ۱۳۸۲ را می‌توان در این مورد مثال زد (بازگیر، ۱۳۸۷، ۳۴۷).

۳-۳. تسبیب

در مورد تسبیب باید گفت با اینکه در فقه امامیه نمی‌توان برای این قاعده استقلال قائل شد (حکمت‌نیا، ۱۳۸۶، ۱۰۷) و تسبیب را هم باید نوعی اتلاف در نظر گرفت (عمید زنجانی، ۱۳۸۹، ۱۲۰). ولی در حقوق ایران باید اتلاف و تسبیب را مستقل از یکدیگر دانست و برای تسبیب اصالت قائل شد. به نظر می‌رسد وضع قانون مسئولیت مدنی خود مهر تأییدی بوده بر اهمیت و استقلال تسبیب.

در حقوق ایران می‌توان رابطه سببیت را همانند قواعد حقوق انگلستان به سه دسته: الف: سبب واحد، ب: سبب مجمل و ج: سبب متعدد تقسیم کرد که در مورد سبب مجمل، در حقوق انگلستان، مشهور مسئولیت تضامنی را پذیرفته‌اند (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ۴۳۵) و عده قلیلی توسل به قرعه شده‌اند (عباسلو، ۱۳۹۰، ۱۰۱) ولیکن در ایران نظریه تساوی (ماده ۴۷۹ ق.م.ا) قابل

قبول است. در مواردی که سبب متعددی در حادثه دخالت داشته‌اند، در حقوق انگلستان عقیده به مسئولیت تضامنی دارند (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ۴۸۲) در حالی که در حقوق ایران، تساوی در مسئولیت را پذیرفته‌اند (بهرامی احمدی، ۱۳۸۸، ۱۱۵؛ باریکلو، ۱۳۸۷، ۱۴۵). با وجود این، باید بین حالات مختلف قائل به تفکیک شد و گاه مسئولیت تضامنی عاملان را پذیرفت و گاه مسئولیت را به نسبت درجه تأثیر بین آنها تقسیم نمود. در ضمن، خسارت وارده باید از نوعی باشد که مسلم، مستقیم و قابل پیش‌بینی باشد (نوعی، ۱۳۹۱، ۹۷).

۳-۴. انواع تقصیر

۳-۴-۱. تقصیر عمدی

تقصیر عمدی همانطور که از عنوانش پیداست زمانی صورت می‌گیرد که شخصی به عمد و از روی اراده و اشراف به کاری که دارد انجام می‌دهد و با قصد و نیت قبلی، به کسی ضرر وارد کند مثل اینکه شخصی آتش سوزی عمدی در ملک خصوص به راه بیندازد. بنابراین در تقصیر عمدی، هم کار ناشایسته به عمد انجام می‌شود و هم نتیجه حاصل از آن مقصود و انگیزه مرتکب است. ولیکن باید گفت هر گاه اجرای حقی ملازمه با زیان دیدن دیگران باشد و قانونگذار با لحاظ این نتیجه حق را حمایت کند، اضرار به عمد نیز موجب مسئولیت نمی‌شود و اجرای حق را نمی‌توان تقصیر شمرد. مانند: دفاع مشروع (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ۳۶۹ و ۳۷۵).

۳-۴-۲. تقصیر غیر عمدی (مسامحه)

در تقصیر غیر عمدی (مسامحه) شخص قصد زیان زدن به دیگری را ندارد، ولی در نتیجه غفلت و بی احتیاطی سبب ورود ضرر به او می‌شود. منتها، اگر درجه احتمال ورود خسارت از مرحله امکان بگذرد و به ظن قوی یا علم برسد و مرتکب با توجه به آن به رفتار زیان‌بار دست بزند، در این صورت، دیگر نباید آن را غیر عمد شمرد و شرط عدم مسئولیت نافذ نخواهد بود (همان، ۳۷۲).

۳-۵. مسئولیت ناشی از بی احتیاطی

در حقوق انگلیسی برای اینکه کاری بعنوان مسئولیت ناشی از بی احتیاطی قلمداد شود باید ۳ شرط را همزمان داشته باشد: شرط اول: وجود تکلیف مراقبت و احتیاط یعنی شخصی موظف به مراقبت و یا احتیاط در مورد چیزیز یا کاری باشد. شرط دوم نقض کردن تکلیف و

شرط سوم هم خسارت زدن می باشد. اما این مورد بین حقوق ایران و انگلیس با هم تفاوت دارد و در حقوق ایران نمی توان بی احتیاطی را بعنوان دو عامل مستقل جهت ایجاد مسئولیت محسوب نمود.

۳-۶. مسئولیت ناشی از عمد

مسئولیت مدنی ناشی از سوءنیت شخص مرتکب را گویند و از انواع آن می توان به ایراد ضرب و جرح، توقیف غیرقانونی و تجاوز به املاک اشاره کرد. این نوع مسئولیت مدنی به دلیل «اصل عدم اضرار» به وجود آمده است. زیرا اضرار عمدی به غیر به معنای نادیده گرفتن آزادی و برابری دیگران بوده و قابل سرزنش و نکوهش می باشد. البته تجربه و عقل دریافته که اضرار به غیر تحت شرایطی موجه است. برای مثال دفاع مشروع (همان، ۹۷).

۳-۶-۱. اضرار به اشخاص

در حقوق ایران نیز همانند انگلستان برای آنکه این نوع اضرار مسئولیت شخص مرتکب را در پی داشته باشد، لازم است اعمال شخص مذکور (اعم از فعل یا ترک فعل) عامدانه بوده باشد. همین قصد و عمد در ورود زیان کافی است تا واردکننده زیان، مسئول شناخته شود. البته همان طور که در مورد بی احتیاطی هم بیان شد، در حقوق مسئولیت مدنی نمی توان اضرار به عمد را به عنوان موجبی مستقل برای ایجاد مسئولیت شناخت. بنابراین در حقوق ایران، عمد و بی احتیاطی، هر یک، جزئی از قاعده سببیت و حکم ماده یک قانون مسئولیت مدنی را تشکیل می دهند (همان، ۹۷).

۳-۶-۲. اضرار عمد به اموال

اضرار به اموال یا تجاوز به اموال ممکن است نسبت به مال منقول و یا غیرمنقول شخص صورت پذیرد که در مورد اموال غیرمنقول، اضرار یا تجاوز ممکن است به سه شکل الف: ورود غیرمجاز به ملک محصور غیر؛ ب: بقای تصرف ملک غیر؛ ج: قرار دادن اشیا و اموال در ملک غیر باشد (همان، ۹۷).

۴. قواعد کلی مسئولیت مدنی در حقوق انگلستان

به طور کلی در انگلستان می‌توان انواع مسئولیت‌های مدنی را به سه دسته تقسیم نمود (Cooke, ۲۰۰۹, ۳۲۰, ۳۹۲) «مسئولیت‌های ناشی از بی‌احتیاطی»، «مسئولیت ناشی از عمد»، و «مسئولیت بدون تقصیر». با این وجود، بعضی حوزه‌های مسئولیت مدنی را نمی‌توان زیرمجموعه واقعی هیچ یک از سه دسته فوق قرار داد. مثلاً «مسئولیت مدنی ناشی از کالا» را می‌توان تلفیقی از مسئولیت‌های بدون تقصیر و مسئولیت‌های ناشی از بی‌احتیاطی دانست (stapleton, ۱۹۹۸. ۱۱, Stephenson, ۲۰۰۰. ۳۹۳, schaffer, ۲۰۰۹, ۷; carper,) (۲۰۰۱, ۱۳۰) یا برای مثال در حقوق انگلستان ناشی از بی‌احتیاطی در نظر می‌گیرند. حال آنکه سازگاری قواعد حاکم بر آن با مسئولیت‌های بدون تقصیر بیشتر است. البته شاید در ظاهر امر بتوان دو دسته مسئولیت‌های ناشی از بی‌احتیاطی و مسئولیت‌های ناشی از عمد در حقوق انگلستان را در یک گروه مسئولیت‌های مبتنی بر تقصیر قرارداد، اما برای سهولت و دقت بیشتر در بررسی و تحلیل موضوعات، چنین تقسیم‌بندی در حقوق انگلستان و آمریکای کنونی مد نظر قرار گرفته است. البته در حقوق آمریکا، برخلاف حقوق انگلستان، این تقسیمات با صراحت بیشتری مطرح می‌شوند. با این وجود، نظر مخالفی هم وجود دارد و برخی از حقوقدانان برجسته کامن‌لا، از جمله اولیور وندل هولمز (Oliver Wendell Holmes) مسئولیت‌های بدون تقصیر تقسیم نموده‌اند (Calnan, ۲۰۰۹. ۱۱, ۵۳).

ویژگی مشترک هر سه دسته کلی مسئولیت آن است که همگی در جهت حمایت از منافع زیان‌دیده گام برمی‌دارند. با این وجود، تفاوت‌هایی کلی بین این دو دسته وجود دارد. برای مثال مسئولیت‌های ناشی از بی‌احتیاطی، غیرمنسجم‌ترین حوزه حقوق مسئولیت مدنی آمریکا و انگلستان محسوب می‌شود، در حالی که مسئولیت ناشی از عمد، منسجم‌ترین حوزه بوده و مسئولیت بدون تقصیر نیز، حد وسط این دو می‌باشد (نه همچون بی‌احتیاطی غیرمنسجم است و نه همچون عمد، سازمان‌یافته و منسجم). یا مباحث مربوط به عملکرد متعارف و معقول اشخاص (یا شخص معقول و متعارف، به عنوان الگویی برای رعایت احتیاط و مراقبت لازم و اجتناب از ورود زیان به غیر) بیشتر در مسئولیت‌های ناشی از بی‌احتیاطی مطرح می‌گردد نه (Whithe, ۱۹۸۵, ۵۴-۷۸).

۵. جمع بندی و نتیجه‌گیری

ساختار و شمایل کلی قواعد مسئولیت مدنی در حقوق غرب و از جمله انگلیس و اصول کامن لاء، ایران و فقه امامیه گرچه در مواردی با هم متفاوت هستند مگلا: در حقوق انگلیس برخلاف نظام حقوقی کشور ایران و فقه امامیه، عمد و بی‌احتیاطی دو موجب مستقل برای

دعاوی مسئولیت مدنی به حساب می آیند. با این وجود، برخی از دانشمندان و نظریه پردازان حقوق غرب نیز این دو مورد (عمد و بی احتیاطی) را تحت یک عنوان واحد یعنی: «مسئولیت‌های مبتنی بر تقصیر» معرفی و بیان می کنند و مسئولیت بدون تقصیر را امری منحصر به فرد می دانند. با اینکه در فقه امامیه مبنای مسئولیت مدنی استناد عرفی است نه تقصیر؛ ولی پذیرش مبنای تقصیر در فقه بی سابقه نیست و دلایل و مستندات قاعده اتلاف نیز این نظر را تأیید می کند. ولی با همه این تفاسیر، در مفهوم مسئولیت‌های بدون تقصیر هم اختلافات آشکاری بین فقه امامیه، حقوق ایران و نظام حقوقی کشور انگلستان وجود نداشته و در هر سه نظام، بنا به صلاح جامعه، در برخی از مواقع افرادی را بدون توجه به اینکه تقصیری مرتکب باشد یا خیر، مسئول خسارت‌هایی ناشی از اعمالشان شناسایی و مجازات می کنند. پیشنهاد می شود در تحقیقات آتی، محققان در مورد مقوله مسئولیت مدنی با قواعد سازگار با نظام حقوقی ایران و اسلام، تحقیقات جدید انجام دهند و احکام و قوانین را متناسب با کشور ایران در این زمینه پیشنهاد دهند.

منابع و مأخذ

الف) منابع فارسی

۱. مامی، سیدحسن، (۱۳۸۵)، حقوق مدنی، چاپ بیست و ششم، جلد اول، تهران: انتشارات اسلامیه.
۲. میری قائم مقام، عبدالمجید، (۱۳۸۵)، حقوق تعهدات، جلد اول، چاپ سوم، تهران: انتشارات میزان.
۳. اریکلو، علی رضا، (۱۳۸۷)، مسئولیت مدنی، چاپ دوم، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
۴. ازگیر، یدالله، (۱۳۸۷)، قانون مدنی در آئینه آراء دیوان عالی کشور (سقوط تعهدات و ضمان)، چاپ دوم، تهران: انتشارات فردوسی.
۵. هرامی احمدی، حمید، (۱۳۸۸)، مسئولیت مدنی، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.

۶. ج
عفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۸۷)، تأثیر اراده در حقوق مدنی، چاپ دوم، تهران: انتشارات گنج دانش.
۷. ج
عفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۹۰)، مبسوط در ترمینولوژی، چاپ اول، جلد اول و دوم، تهران: انتشارات گنج دانش.
۸. ج
عفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۹۰)، محشای قانون مدنی، چاپ دوم، تهران: انتشارات گنج دانش.
۹. ح
سینی نژاد، حسینقلی، (۱۳۸۹)، مسئولیت مدنی، چاپ اول، تهران: انتشارات مجد.
۱۰. ح
کمت‌نیا، محمود، (۱۳۸۶)، مسئولیت مدنی در فقه، چاپ اول، قم: پژوهشگاه علم و فرهنگ اسلامی.
۱۱. ص
فای، سیدحسین؛ حبیب‌الله، رحیمی، (۱۳۹۰)، مسئولیت مدنی، چاپ دوم، تهران: انتشارات سمت.
۱۲. ع
باسلو، بختیار، (۱۳۹۰)، مسئولیت مدنی، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.
۱۳. ع
مید زنجانی، عباسعلی، (۱۳۸۹)، موجبات ضمان، چاپ دوم، تهران: انتشارات میزان.
۱۴. ق
اسم‌زاده، سیدمرتضی، (۱۳۸۷)، مبانی مسئولیت مدنی، چاپ پنجم، تهران: انتشارات میزان.
۱۵. ک
اتوزیان، ناصر (۱۳۸۷)، الزامات خارج از قرارداد، جلد هشتم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۶. ک
اتوزیان، ناصر، (۱۳۸۷)، مسئولیت مدنی، جلد اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۱۷. م
حقیق داماد، سیدمصطفی، (۱۳۹۳)، قواعد فقه - بخش مدنی: مالکیت، مسئولیت، تهران: انتشارات مرکز نشر اسلامی.

۱۸. ز
وعی، الیاس، (۱۳۹۱)، تکلیف مراقبت و احتیاط در حقوق ایران و انگلستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

۱۹. ی
زدانیان، علیرضا، (۱۳۷۹)، قلمرو مسئولیت مدنی، چاپ اول، تهران: انتشارات ادبستان.

ب: منابع عربی

۱. حسینی مراغی، میرعبدالفتاح، (۱۴۱۷)، عناوین، جلد ۲، قم: موسسه نشر اسلامی.

پ: منابع انگلیسی

Books:

۱. C
alnan, Alan, ۲۰۰۹, duty and integrity in tour law, ۱st ed., North carolina, cardlina Academic press.
۲. C
ooke, John, ۲۰۰۹, Law of tort, ۹th ed. Edinburgh, person Longman.
۳. S
chaffer, lisa, ۲۰۰۹, Tort for paralegls, ۱st ed. NewYork, McGraw Hill.
۴. S
tephenson, Graham, ۲۰۰۰, sourcebook on torts, ۲nd ed., London, Cavendish.
۵. W
hite, g. Edward, ۱۹۸۵, Tort Law in America, ۲nd ed., NewYork, Oxford University press.

Articles:

۱. M
iler, nelson p., ۲۰۰۶, "An Ancient law of car", whitter law review, vol. ۲۶, No.۳.

۲. Stapleton, Jane, ۱۹۹۸, "Duty of care factors: A selection from the Judicial menus", in chane, peter and stapleton, jane (eds), *The law of obligations: Essays in celebration of John Fleming*, ۱st ed., Oxford, clarendon press.

General rules of civil liability in Imami jurisprudence, Iranian and British law

Abstract

This research has been done with the aim of examining the general rules of civil liability and its analysis and comparative study in Iranian and British law and Imami jurisprudence by analytical descriptive method. The results show that in English law, the general rules of civil liability are referred to as: liability for negligence, intentional and fault-free liability, of which negligence and liability are the most important. Civil liability in Iranian law includes: liability based on fault and no fault, the rule of causation and loss is the main element of liability based on fault and no fault, respectively. However, in Imami jurisprudence, liability based on fault and without fault is considered as a unit and contrary to Iranian law, the rule of loss and causation are not independent of each other. However, causation is not the main element of liability and mere realization of the loss does not create a guarantee without a loss factor. Finally, despite the apparent differences, the general rules of civil liability in these three systems; They are adaptable and have a common goal: "administration of justice and full compensation for wrongdoing."

Keywords: Liability, liability due to fault, liability without fault, negligence, loss.